



توانستند به یک اجماع و حتی سیاستی واحد در تقابل با ایران دست یابند. فارغ از عوامل خارجی تاثیرگذار در این زمینه به نظر شمارویکرد دولت قبلی در زمینه سازی برای همکاری اروپایی چه تاثیری داشته است؟

شعارهای افراطی در دولت گذشته مثل نفی هولوکاست عامل اصلی تحریک اتحادیه اروپا و سبقت گرفتن آنها از آمریکا در اعمال تحریمهای اقتصادی علیه ایران بوده است. سیاستهای دولت گذشته موجب شد که اولاً همکاری در بین کشورهای اروپایی علیه ایران حاصل شود و ثانیاً همکاری بین اروپا و آمریکا بوجود آید و ثالثاً اروپا در تحریم علیه ایران از آمریکا سبقت بگیرد. خطای استراتژیکی در آن دوره رخ داد. در آن دوران سیاست خارجی ما به گونه ای جلو رفت که نه تنها اروپاییها به دامن آمریکا افتادند، بلکه حتی از آمریکاییها در تحریم ایران پیشی گرفتند. تحریم بانک مرکزی و نفت را اول اروپاییها اجرا کردند. در دهه هفتاد دیپلماتهای وزارت خارجه تلاش کردند تا اجازه داده نشود تحریمهای یکجانبه آمریکا جهانی شود. برای همین، بلوک قدرتمندی در خط مقدم بسیج شده بودند. در دوران مشکلات بدیهای ایران، آمریکا فشار زیادی به ژاپن و اروپا آورد تا به تعبیر خودشان انقلاب و ایران را خفه کنند. اما با تلاشهای آن موقع موفق نشدند و ایران موفق شد که بدیها را با کشورهای گوناگون استمهال کند. اما در چند سال گذشته، کاری شد که اروپاییها کوی سبقت را از آمریکاییها ربودند. دیپلماسی مورد نظر مقام رهبری مبنی بر عزت، حکمت و مصلحت با شعارهای افراطی به دست

نمی آید. حرف را لازم نیست در قالبی منفی بزنیم که دنیا متغیر بشود. متأسفانه در چند سال گذشته در قالب منفی با دنیا گفت وگو کردیم.

**آیا کشورهای اروپایی در بازگشت به سوی ایران نیز سیاست همکاری را دنبال خواهند کرد، یا اینکه شاهد واگرایی در تعامل احتمالی با ایران خواهیم بود؟**

اروپاییها در کل، سیاست همکاری اروپایی را دنبال خواهند کرد اما در اجزاء و در عمل، برخی از کشورهای اروپایی سریعتر و برخی کندتر خواهند بود.

**برخی از تحلیلگران و کارشناسان حوزه اروپا معتقدند ما در تعامل با اروپاییها با یک بلوک واحد روبهرو هستیم و هرگونه تلاش برای فرار از این واقعیت محکوم به شکست است. این در حالی است که عده ای دیگر با اشاره به تجربه چین و برزیل در تعامل با اروپا، معتقدند ارتقای سطح دیپلماتیک با تک کشورها، اروپایی قدرت چانه زنی بالاتری را در مذاکرات با اروپا در اختیار ایران قرار خواهد داد.**

ما باید اصل را بر این بگذاریم که با یک بلوک واحد روبهرو هستیم اما در سیاستهای خود تلاش کنیم اعتماد سازی متقابل بین ایران و اروپا را در دوجبهه داشته باشیم. هم در رابطه با تک تک کشورها و هم در رابطه خود با کل اتحادیه اروپا به عنوان یک بلوک واحد این مسئله باید لحاظ گردد. سابقه تاریخی روابط ایران با برخی کشورهای اروپایی مثل انگلستان و آلمان، متفاوت است اما نباید این واقعیت باعث شود که ما واقعیت بزرگتر یعنی اروپای واحد را نادیده بگیریم.

**به نظر شما محدود کردن ظرفیت دستگاه دیپلماسی ایران به تعامل با تروئیکای آلمان، فرانسه و انگلیس نوعی غفلت از ظرفیتها و فرصت های موجود در دیگر کشور های اروپایی نیست؟**

ایجاد تروئیکای آلمان، انگلستان و فرانسه تصمیم خود اروپاییها و نه انتخاب ایران بود. در عین حال باید از ظرفیت و فرصت های موجود در دیگر کشورهای اروپایی مثل ایتالیا و اسپانیا نیز استفاده کرد. تک تک کشورهای اروپایی از اهمیت برخوردارند، ضمن اینکه نباید فراموش کرد که قدرتهای بزرگ اروپا بیشترین تاثیر را بر روی تصمیم گیریها در اتحادیه اروپا و سایر کشورهای عضو دارند. وقتی آلمان بیشترین هزینه های اتحادیه اروپا را تامین می کند به طور طبیعی از وزن و نقش بیشتری هم برخوردار خواهد بود. با این حال به نظر شما آیا نمی شود میان کشورهای اروپایی شکاف ایجاد کرد؟

اصل این تئوری غلط است که ما فکر کنیم می توانیم با تک تک کشورهای اروپایی را جایگزین تعامل با کل اتحادیه اروپا نمود. ایران در مورد اروپا نیازمند یک سیاست موافق است. کار با اتحادیه اروپا و همزمان، به طور موازی و هماهنگ کار و رابطه با تک تک کشورهای عضو اتحادیه.

**در فرصت تنفس ایجاد شده در پی توافق ژنو ۲، آیا می توانیم باب تعامل جدیدی را با کشورهای دیگر اروپایی به جز تروئیکا ایجاد کنیم؟ آیا ایجاد این روابط می تواند در صورت شکست توافق ژنو مفید باشد؟**

در این فرصت باید در مرحله اول سرمایه گذاری اصلی و بیشترین توجه ما معطوف به کشورهای عضو ۵+۱ باشد و در مرحله بعد با تک تک